

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مردم شاهرود - 20 / آبان / 1385

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا اَبی القاسم المصطفی محمد و علی آله الأطیبین الأطهرین المنتجبین سیما بقیة الله فی الارضین.

خداوند متعال را شاکر و سپاسگزارم و از اعماق دل خرسندم که بار دیگر در جمع شما مردم عزیز و خونگرم و باصفای شاهرود این توفیق را پیدا کرده ام که باشم و مثل همیشه شاهد این اجتماع عظیم و پُرشور شما باشم. و نشانه های محبت و صفا و ایمانی را که از دیرباز در مردم این شهر از نزدیک شاهد بودم، بار دیگر مشاهده کنم.

در طول دوره ی زندگی - چه در دوران مبارزات، چه دوران اوج انقلاب اسلامی، چه قبل از آن در دورانهای طلبگی در مشهد و چه بعد از آن در دوران جنگ تحمیلی و در محیطهای اداری و کاری و انقلابی - همیشه عنصر شاهرودی را با این خصوصیات شناخته ایم: متدین، باصفا، خونگرم، اهل اقدام، دوستدار علم و ارزشهای دینی و اسلامی. امروز هم - که سالها از پیروزی انقلاب می گذرد و کشور عزیز ما تجربه های گوناگونی را در طول سالیان گذشته گذرانده است - بار دیگر مردم عزیز شاهرود، مرد و زن و پیر و جوان از قشرهای مختلف را با همین خصوصیات مشاهده می کنیم؛ شهر باصفا، مردم باصفا، دلهای باصفا. یقیناً نقش معلمان دین و اخلاق در این حیطة و در این سرزمین، در پرورش اخلاقی مردم شهرستان شاهرود نقش به سزایی داشته است. علمای بزرگ، برجستگان دینی و اخلاقی در این ناحیه، در این شهر و در بخشهای متصل به این شهر - چه در گذشته، چه در آن دورانی که خود ما از نزدیک شاهد بودیم و دیدیم یا همزمان بودیم - نقش برجسته ای داشته اند. در دوران جوانی ما نام برجستگان علمی دینی شاهرود بر سر زبانها بود. مرحوم آية الله العظمی شاهرودی، مرجع تقلید، استاد مبرز حوزه ی نجف؛ مرحوم آية الله آقا شیخ آقا بزرگ شاهرودی، از برجستگان علمی و ساکن خود شاهرود؛ قبل از اینها در مشهد شنیده بودیم مرحوم آقا سید عباس شاهرودی، عالم برجسته؛ عموی يك عالم روحانی پارسا و باتقوای دیگری به نام مرحوم آقای حاج آقا حسین شاهرودی که چند سال پیش رحلت کرده اند؛ تا دوران انقلاب مرحوم آقای توحیدی، عالم برجسته و ممتاز و از علمای فعال؛ و در رتبه ی جوانتر مرحوم آقای طاهری و علمای فراوان دیگر. اینجا منطقه ی عالم خیز است؛ منطقه ی معلمان دین و اخلاق. در زمان گذشته هم نام بایزید بسطامی و ابوالحسن خرقانی را همه ی مسلمانان و مرتبطين با معارف اسلام - ولو غیرمسلمان - شنیده اید. البته امثال بایزید و ابوالحسن خرقانی را با این مدعیان صوفیگری نباید اشتباه کرد. آنها داستان دیگری دارند و ماجرا و سخن دیگری است.

این نکته مهم است که چگونه این منطقه، این همه معلم دین و اخلاق و عالم برجسته ی دینی تربیت کرده است. این تصادفی نیست؛ نشانه ی يك حلق بومی دیرین در میان این مردم است؛ میل به معنویات، باور نسبت به ارزشهای معنوی و اسلامی. این مطالب را ما برای این عرض نمی کنیم که مردم شاهرود خوششان بیاید؛ آنها خودشان با این مسائل آشنا هستند. افتخار و تکیه ی به فضل گذشتگان و پدران، برای اینکه به گذشتگان خودمان هم افتخار کنیم، نیست. یادآوری این مطالب برای نکته ی مهم دیگری است. و آن این است که يك ملت و يك جمعیت، هنگامی که به ارزشهای بنیادی بومی خود واقف بشود، استعدادهای خود را بشناسد، ارزش اخلاقی و انسانی خود را بداند، مغلوب حوادثی که برای او درست می کنند، نمی شود. آینده در برابر يك چنین جمعیت و ملتی، آینده ی روشنی است.

سالهای متمادی - شاید دهها سال - همت استعمارگران این بود که ملت ایران را نسبت به خودشان و نسبت به ارزشها و گذشته ی خودشان بی اعتقاد کنند. گناه بزرگ نسل اول روشنفکران این کشور که مروج تفکرات غربی و فرهنگ غربی بودند، همین است. به ملت ایران تبیین کردند و اصرار و تکرار کردند که تو چیزی نیستی. ارزشهای تو، اعتقادات تو، گذشته ی تو، تاریخ تو و بزرگان تو به چیزی نمی ارزند. توانستند يك نسل از خود بیگانه ای درست کنند که پذیرای يك حکومت ظالم و دست نشانده ای مثل حکومت رضاخان قلدر باشد. این کاری است که دشمنان

ما در طول سالهای طولانی کرده اند.

نهضت اسلامی، حرکت عظیم روحانیت و مردم در دوران سالهای منتهی به پیروزی انقلاب همین بود که مردم را نسبت به هویت خودشان، نسبت به تواناییهای خودشان و نسبت به گذشته و تاریخ خودشان خوشبین کنند و پرده ی دروغ و توهمی را که دشمنان بر روی باورهای ملی ما کشیده بودند، آن را ببرد؛ و موفق هم شدند و شاهرود یکی از شهرهایی بود که مردم و جوانهای آن استقبال کردند. من خودم در دوران مبارزات ارتباط نزدیک با شاهرود داشتم. دوستان ما، رفقای همراه و همگام ما به شاهرود می آمدند و مورد استقبال جوانان اینجا قرار می گرفتند؛ در مساجد مختلف این شهر جلساتی که در آنها مبانی انقلاب و مفاهیم انقلابی و مسائل مربوط به نهضت اسلامی گسترش پیدا می کرد و تبیین می شد، در این شهر فراوان بود. خدا رحمت کند مرحوم آقای توحیدی و بعضی از علمای دیگر این شهر را که به این جوانهای ما کمک می کردند و با بنده هم مرتبط بودند. تعدادی از جوانهای مؤمن و پُرشور این شهر با ما در مشهد در ارتباط بودند. من هم چند بار شاهرود آمده بودم. از جمله در روزهای اوج انقلاب، شبی را در شاهرود در جمع جوانان پُرشور و مؤمن این شهر گذراندم. این تجربه ها از یاد انسان نمی رود. مردم شاهرود، شما برادران و خواهران و خانواده های محترم و عزیز، در طول دوران دفاع مقدس هم آزمایش خوبی دادید. بیشترین شهدای این استان مربوط به شاهرودند. برجستگانی از نیروهای مسلح و فداکاران، مربوط به این منطقه، این شهر و بخشهای اطراف این شهرند.

امیدواریم سهم شما مردم عزیز در آینده ی پُرشکوه این کشور و این انقلاب، همان قدر نمایان باشد که در گذشته و در دوران منتهی به این روزها سهم وافر شما نمایان بوده است.

آنچه همه ی ملت ایران و شما مردم عزیز باید بدانید - و خوشبختانه آگاهی ملت، آنها را نسبت به این شرایط کاملاً روشن و آگاه نگه داشته است - این است که در رویارویی میان اسلام، حرکت اسلامی و اردوگاه کفر و استکبار، سهم پیروزیهای جبهه ی اسلام و ایمان، چندین برابر بیشتر از سهم پیروزیهای جبهه ی مقابل است. مسئله، تنها مسئله ی ایران نیست؛ مسئله ی نهضت اسلامی است و ملت ایران پرچمدار این نهضت است. آن روزی که ما مردم ایران نهضت اسلامی را در این کشور آغاز کردیم، به قصد ایجاد یک نهضت جهانی نبود. دلسوزان، علاقه مندان و آگاهان، آنچه را که برای امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از حق و قیام در مقابل ظلم تشخیص می دادند، انجام دادند. و امام بزرگوار ما بارها گفته است، در هر موقعیتی آنچه را که احساس وظیفه می کرد، آن را انجام می داد و در راه آن قدم برمی داشت؛ و مشکلات او را به عقب نمی راند. نیت مبارزان، نهضت کنندگان و ملت ایران، اصلاح در مسائل جاری کشور خودشان بود. اما خاصیت سخن و دعوی حق، همین است که دلهای مشتاق را در همه ی نقاط عالم به خود جذب می کند.

قیام ملت ایران توانست مسلمانان نقاط مختلف دنیای اسلام و کشورهای اسلامی را متوجه خود کند و به آنها تکان سختی بدهد؛ خیلی ها را از خواب بیدار کرد و جوانها را هم متوجه آرمانهای دست یافتنی کرد. لذا حرکت، حرکت اسلامی شد. ما به امور داخلی کشورها کاری نداریم. مسئله ی فلسطین یا مسئله ی لبنان یا مسئله ی عراق به وسیله ی مسئولان ایرانی و مردم ایران اداره و مدیریت نمی شود؛ اما این حرکت شما مردم و مقاومت شما جوانان و صبر شما خانواده ها بود که توانست ملت فلسطین را بیدار کند؛ توانست به جوانان مؤمن در لبنان، آن قدرت را عطا کند و آن روح را در آنها بدمد که اینها بتوانند در مقابل یک ارتش مجهز ظالم بی مهار و با پشتیبانی امریکا، آن طور مقاومت کنند و آن طور پیروز شوند. در صحنه، ملت لبنان و حزب الله بودند؛ اما در دنیا قضاوت همه ی اهل نظر این است که ملت ایران در این قضیه پیروز شد. امروز در دنیای اسلام، هر گروه مسلمانی و هر شعار اسلامی و ارزشی ای که به پیروزی می رسد، قضاوت دنیا و سیاستمداران در سطح بین المللی، این است که ملت ایران در این قضیه پیروز شد؛ در حالی که ملت ایران کاری به کار فلان کشور و فلان مجموعه ی سیاسی یا انقلابی ندارد. این به خاطر این است که پرچم پُرافتخار استقلال ملتها در زیر سایه ی «لااله الاالله محمد رسول الله»، در دستان شماست. و شما ملت توانستید این پرچم را با همه ی سختیهایش در دست خود نگه دارید. نگذارید سرنگون بشود. این توانایی را ملت ایران نشان داده است. برای ملت ما این یک افتخار بزرگ است.

اما این کافی نیست. ما نمی خواهیم دل خودمان را به این خوش کنیم که ملت ایران در سطح بین المللی یا در سطح بین الملل اسلامی سربلند و عزیز و آبرومند است؛ این هست؛ اما ما به این اکتفا نمی کنیم. ما باید این توانایی را از خودمان نشان بدهیم که بتوانیم یک جامعه ای بسازیم که مورد رضای اسلام باشد. این کار را باید بکنیم؛ وظیفه ی ما این است. و اتفاقاً آن نقطه ی اساسی ای که دشمنان توطئه گر اسلام در سطح جهان به آن توجه دارند و می خواهند آن انجام نگیرند، همین است. آن کشور و جامعه ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد.

کشور ما از لحاظ مادی باید در آن، علم و تجربه و فناوری در سطوح بالا قرار بگیرد. از لحاظ ساخت و ارتباطات اجتماعی مردم در زمینه ی اقتصاد و بقیه ی موارد، ارتباط مردم با یکدیگر، باید ارتباطات سالم، قوی و نشان دهنده ی پیشرفت و شکوفایی باشد؛ باید استعدادها در آن جامعه بشکند. همه ی انسانها بتوانند در آن با توان خداداده ی خود در پیشبرد اهداف زندگی، به یکدیگر کمک و با هم همکاری کنند. در آن جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان بودن همه ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصتهاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصتهای حرکت و پیشرفت بهره مند شوند. باید سرپنجه ی عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند.

در چنین جامعه ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش رونده ی مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت با هم.

تمدن مادی غرب در علم و تکنولوژی پیشرفت کرد. در روشهای پیچیده ی مادی، توفیقات بزرگی به دست آورد؛ اما در کفه ی معنوی روزبه روز بیشتر خسارت کرد. نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب، به ضرر بشریت تمام شد. علم باید به سود بشریت تمام شود. سرعت و سهولت و ارتباطات زود دسترس، باید در خدمت آرامش و امنیت و راحتی مردم باشد. آن علمی که از ترس دستاورد آن - یعنی از ترس بمب اتم و موشک دوربرد و انفجار نادانسته - مردم شب و روز نداشته باشند، آن علم برای بشریت مفید نیست. دنیای غرب با پیشرفت علمی خود، در این دام خطرناک افتاد.

تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه ی مردم با یکدیگر؛ این خصوصیات نظام اسلامی است. ما اینها را با صدای بلند از اول انقلاب در سطح عالم مطرح کردیم و دل‌های فراوانی از مسلمان و غیر مسلمان هم به اینها جلب شده است. پشتوانه ی عزت ملت ایران اینهاست. یعنی متفکر مسیحی و سیاستمدار غیر مسلمان - احياناً ملحد - در مجامع جهانی، در برخورد با تفکرات نظام جمهوری اسلامی تحت تأثیر قرار می گیرد. این، بارها و بارها مشاهده و دیده شده است. ما می خواهیم در کشورمان این تفکرات والا را پیاده کنیم. برادران و خواهران عزیز! این، کار و تلاش لازم دارد؛ این، مردان مؤمن و فداکار و شجاع لازم دارد؛ این، پیوند روزبه روز افزایش یافته ی میان ملت و دولت را لازم دارد. دشمنان این کشور و ملت، و دشمنان رسیدن به آن اهداف، این نقاط را هدف می گیرند. برای اینکه پیوند میان مسئولان و مردم را ضعیف کنند، برنامه ها طراحی می کنند؛ برای اینکه اراده ی مسئولان کشور را سست کنند، برنامه ها طراحی می کنند. در چند سال گذشته، صریحاً دستگاههای تبلیغاتی غرب گفتند و تکرار کردند که در صد اینند که در مجموعه ی مدیریت نظام جمهوری اسلامی اختلاف بیندازند؛ دودستگی و دو جریانی درست کنند؛ خودشان این را اعتراف کردند. و بحمدالله موفق نشدند.

جوان ما را از فکر آینده و همت گماشتن برای بنای آینده، به سمت شهوات سوق بدهند؛ برای این برنامه ریزی می کنند. دل‌های مردم ما را که در سایه ی امید می توانند این راه طولانی و دشوار، اما شوق برانگیز را طی کنند، ناامید کنند؛ دل‌هایشان را از امید خالی کنند. اینها جزو برنامه هایی است که دشمن طراحی می کند. من به شما عرض بکنم در طول این بیست و هفت سالی که از پیروزی انقلاب می گذرد - که یک روز از این بیست

وهفت سال هم بدون توطئه ی دشمن نبوده است - دشمن در مقابله ی با ملت ایران و انقلاب اسلامی و این حرکت عظیم، تا امروز پی در پی احساس ناکامی کرده است. هیچ وقت دشمن موفق و پیروز نشد. گاهی يك امیدهای واهی ای پیدا می کردند و يك علامت غلطی از يك طرف به آنها داده می شد، آن وقت تصور می کردند که توانسته اند توطئه های خود را در این کشور به جایی برسانند. اما بلافاصله معلوم می شد اشتباه کرده اند. بنابراین دشمن موفق نشده است. امروز برنامه های مسئولان کشور برای ساختن و بنای آینده در بخشهای مختلف، برنامه های حساب شده و روشنی است. مسئولان هم، مسئولانی هستند که با تصمیم قاطع و با اعتماد به نفس کامل، در جهت رسیدن به این هدفها دارند حرکت می کنند.

شاید بتوانم بگویم، امروز همت مسئولان دولتی در پیمودن راههای طولانی و دشوار به سمت هدفهای انقلاب، از دورانهای گذشته بیشتر است؛ با اینکه دشمنان و بدخواهان ملت ما عکس این را توقع داشتند و تصور می کردند. فکر می کردند هر چه زمان بگذرد و از مبدأ انقلاب دورتر شویم، امیدها کمتر می شود؛ در حالی که به عکس شد. امروز مسئولان و دولت ما، برای رفع مشکلات و گشودن گره ها و پیمودن راهها، امیدشان و اعتماد به نفس و همتشان از گذشته بیشتر است. و من عرض می کنم، آنچه را که آنها به آن همت گماشته اند، اینها همه شدنی است. همچنان که از اول انقلاب تا امروز، آنچه که در این کشور اتفاق افتاده - پیشرفتهای مختلف در بخشهای گوناگون - شبیه معجزه است. البته مشکلاتی وجود دارد. من مشکلات بخشهای مختلف کشور و مشکلات شما مردم شاهرود را می دانم. کمبودهایی که وجود دارد؛ گله هایی که وجود دارد؛ توقعاتی که وجود دارد؛ کارهایی که اولویت با آنهاست: مثل مسئله ی آب، مسئله ی اشتغال و مسائل گوناگونی که مورد نظر مردم است. خواستن اینها حق مردم است. البته همه ی اینها از لحاظ در دسترس بودن، در يك حد نیست؛ بعضی چیزها يك مقداری صبر لازم دارد، بعضی چیزها يك مقداری نزدیکتر و در دسترس تر است. عمده این است که مسئولان بدانند چه لازم است و همت کنند که آن را انجام بدهند و راه نفوذ فساد و سوءاستفاده را ببندند. احساس می کنم همه ی اینها به لطف پروردگار و به توفیق الهی حاصل است.

سندهای استانی مربوط به این استان، سندهای تنظیم شده ای است. مسئولان با نیازها و امکانات منطقه آشنا هستند. همت هم بر این دارند. خوشبختانه تازه نفس و آماده به کار هم هستند که این کارها را انجام بدهند، و باید انجام بدهند. البته بعضی از کارها طبیعتش زمان می طلبد. در بعضی کارها راهی را که انسان می خواهد طی کند، گاهی اوقات ده ساعت باید راه برود تا به يك نقطه ای برسد؛ نمی شود توقع داشت يك ساعته طی شود. بعضی راهها نزدیکتر است و بعضی دورتر. مهم این است که مسئولان بخواهند، بفهمند، احساس کنند و همت کنند، و این بحمدالله هست.

آنچه پشتوانه ی حرکت مسئولان است، پشتیبانی دلها و احساسات و اعتماد و امید شماست. آنان تکیه ی به این اعتماد و شور و شوق و محبت شما مردم را دارند و حقیقتاً حجت بر آنها تمام است. یعنی پشتیبانی مردم از مسئولان کشور، يك پشتیبانی همه جانبه و مستحکم و ریشه دار با ریشه های ایمانی است. آنان بایستی با تکیه ی بر این اعتماد شما و این حسن ظن شما، کارها را پیش ببرند و بنده بسیار خوشبین هستم به اینکه ان شاءالله همه ی آنچه را که باید انجام بدهند، انجام خواهند داد. مردم سهم خودشان را فراموش نکنند. همت گماشتن مردم، کارهای موکول به هر کسی را با احساس مسئولیت انجام دادن، خواستن و پیگیری کردن، اینها وظایف مردم است. مسئولان سهمی دارند و مردم هم سهمی. به توفیق الهی ان شاءالله با مجموعه ی اینها ما شاهد روزهای بسیار بهتری خواهیم بود. و امیدواریم ملت ما همچنان که با طرح شعارها و آرزوهای بزرگ اسلامی توانست دلهای امت اسلامی را متوجه خود کند، با نشان دادن يك الگوی کامل و ساخته و پرداخته ی نظام اسلامی هم بتواند آنها را در این راه موفقتر کند. پروردگارا! به محمد و آل محمد لطف و تفضل خود را بر این مردم مؤمن و باصفا فرو بفرست. پروردگارا! به مسئولان توفیق خدمت به این مردم مؤمن و باصفا را عنایت کن. پروردگارا! این پیوند محبت و همبستگی میان مردم و مسئولان را روزبه روز بیشتر کن.

از شما مردم عزیز، از این جمعی که در این میدان اجتماع کردید و از برادران و خواهرانی که در طول مسیر آنها را



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

زیارت کردیم، به خاطر محبت و ابراز لطفان صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم که توجهات حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) شامل حال همه ی شما باشد.
والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته